

اعتراض به

تصمیم دادگاه آمریکا مبنی بر

فروش آسمانخراش بنیاد پهلوی

امیرفیض - حقوقدان

تصمیم یکی از دادگاه های آمریکا مبنی بر فروش بنیاد پهلوی که امروزه بنام بنیاد علوی خوانده میشود و پرداخت وجه آن به زیان دیدگان عملیات تروریستی جمهوری اسلامی موضوع نقد این تحریر است.

مطلب مهمی که در جریان اقدام دادگاه آمریکا در خلع ید از جمهوری اسلامی از ساختمان بنیاد پهلوی و فروش آن رعایت نشده این است که:

بنیاد پهلوی باهرنامی که خوانده شود نه ملک جمهوری اسلامی و نه ملک بازماندگان شاهنشاه ایران است، بنیاد پهلوی در مهرماه سال ۱۳۴۰ (۲۵۰۰ = ۱۹۶۱) بصورت وقف در آمده و در ایران و آمریکا به ثبت رسیده است.

وقف، یک باور کهن انسانی است که گرایش به نیکوکاری و بخشش خداوند را گواهی میدهد. وقف در تمام جوامع انسانی از اروپایی و آسیایی و آمریکایی از ایام قدیم وجود داشته است و نام بنیاد را به خود اختصاص داده است خاصه در آمریکا که وقف (بنیاد ها) دامنه ای وسیع دارد. درجائی خواندم که فکر وقف در زمان سلطنت سلطان قانونی پادشاه عثمانی که توجهات خاصی به وضع قوانین مفید داشت به اروپا راه یافت و برای اولین بار سرزمینی برای کلیسای مریم مقدس بصورت وقف درآمد.

سابقه وقف در ایران به ایام هخامنشیان میرسد که مردم اموال را وقف آتشکده ها میکردند، ولی از زمان تسلط اعراب بر ایران وقف بصورت یکی از حقوق مورد توجه و حمایت جامعه قرار گرفت و بصورت فقه و بعدا قانون مدنی مدون شد.

احوال وقف

مال وقف شده از مالکیت وقف کننده خارج میشود؛ وقف در این تحریر از انشائات اسلام و تصریحات قرآن ماخذ شده است. در ایران از زمان استیلای اعراب مسلمان، وقف جریان پیدا کرد و تمامی سلسلگانی که بر ایران حکومت داشته اند روال موقوفات را محترم شمرده و بر آن دست تجاوز نگذاشته اند.

استثنای این روال تاریخی در دو مورد است یکی بعد از انقلاب اکتبر روسیه که چند کشور مسلمان ضمیمه شوروی شدند، روال وقف موقتا متوقف شد و پس از فروپاشی شوروی مجددا وقف ب جریان افتاد.

مورد دوم جمهوری اسلامی است که به نظام وقف با آنکه آموزه های اسلامی است، تعهد و وفاداری نداد و بنیاد پهلوی را که وقف بود متصرف و به نیت واقف و موقوف علیهم خیانت کرد.

دروقفنامه های سابق که قانون وقف نبود نوشته میشد: «این مال وقف است فروخته نمیشود- خریده نمیشود - به کسی بخشیده نمیشود - مورد وصیت قرار نمیگیرد - به میراث گذاشته نمیشود - توقیف نمیشود و کسی که این گفته هارا تغییر دهد لعنت خدا، لعنت پیامبر و تمام ملائک بر او باد»

(یادداشت های صدرالین غنی)

وقف در اسلام و نیز قانون مدنی ایران شاهنشاهی و نیز قانون جمهوری اسلامی مقرراتی دارد که هماهنگ و مقتبس از قرآن و نظر فقهای اهل تسنن و تشیع است.

دروقف، ملک وقف شده از مالکیت و اختیار مالک خارج میشود و اداره و مدیریت مورد وقف بر طبق نظرواقف بشرحی خواهد بود که دروقفنامه پیاده شده است.

مال وقف شده از هرگونه نقل و انتقال به دیگری ممنوع است نه تنها مالک قدیم دیگر حق منتقل کردن مال رابه دیگری ندارد بلکه منتفعین هم فاقد این حق هستند یکی از حقوقدانان نوشته: «مال موقوفه گویی برای همیشه حبس شده و از آزادی معاملات منتزع گردیده است».

درسال ۱۳۳۷ که اساسنامه بنیاد پهلوی در ۶ فصل و چند ماده تنظیم و به تصویب شاهنشاه ایران رسید، مالکیت بنیاد پهلوی ازید شاهنشاه و خاندان پهلوی خارج و منافع آن هم به مهرهانی که دراساسنامه مقرر شده اختصاص یافته است بنابراین همانطور که شاهنشاه و ورث ایشان بر بنیاد پهلوی حق مالکیتی ندارند درآمد آنها نمیتواند صرف اموری بغیر از کمک به منویات شاهنشاه ایران - هدف و مقاصد اجتماعی و فرهنگی و بهداشتی و عمرانی که درفصول اساسنامه آمده است صرف گردد.

اداره موقوفات به ترتیبی است که واقف مقرر کرده است که درمورد بنیاد پهلوی آخرین متولی امر آقای جمشید آموزگار بوده است.

هیئت امنای بنیاد پهلوی ۱۰ نفر بودند شامل رئیس مجلس سنا و شورایملى و رئیس دیوان عالی و وزیر دربار و نخست وزیر و ۵ نفر به انتخاب شاهنشاه.

مهم این است که هیئت امنا و مدیرعامل بنیاد افتخاری خدمت نمیکردند بلکه ۲/۵ درصد از منافع بنیاد که سرمایه اولیه آن ۳ میلیارد دلار بود بعنوان حق الزحمه به هیئت امنا تعلق مییافت.

نیت در وقف

اصولا میتوان گفت که استقرار عقد وقت مستقر بر نیت واقف است، بر همین اساس بهیچوجه نمیتوان موضوع وقف را بر ترتیبی اداره کرد که نیت واقف در آن جریان نداشته باشد، حقوق اسلامی نیت وقف را منحصر در کارهای اجتماعی و مذهبی میداند.

احترام به نیت واقف در تمام کشورها درلوحه توجه و احترام خاص قرار دارد و دادستانها بر آنها نظارت عالیه دارند.

نیت وقف در بنیاد پهلوی

نیت وقف بنیاد پهلوی علاوه بر آنکه الهام یافته از نیت و خواست شاهنشاه ایران بود دقیقاً با قانون مدنی و فقه اسلامی هم منطبق بود چنانکه از باب نمونه بسیاری از دانشجویان از کمکهای مالی بنیاد پهلوی بهره مند میشوند در آغاز سال ۱۳۵۷ (۲۵۱۷ = ۱۹۷۸) طبق آمار موجود ۱۳,۰۰۰ دانشجوی ایرانی در داخل و خارج از کشور از کمک هزینه تحصیلی بنیاد برخوردار بودند، و بتحقیق میتوان گفت که آن دانشجویان از بهترین و برجسته ترین جوانان کشور بودند.

در ایالات متحده آمریکا بنیاد پهلوی به احداث آسمان خراش عظیمی در نیویورک مبادرت کرد که از محل آن عوائد میتوانست همه این قبیل هزینه هاراتامین و پرداخت کند.

مورد دیگر از رعایت نیت واقف ترجمه و نشر کتاب بود که آمار نشان میدهد که تا سال ۵۶ (۲۵۱۶ = ۱۹۷۷) حدود ۵۰۰ کتاب در زمینه های جامعه شناسی، ادیان، شعرو همچنین از شاهکارهای ادب ایران و جهان انتشار داده بود.....
(کتاب پاسخ به تاریخ)

ایراد اصولی بر حکم دادگاه

چنانکه در خبرها آمده دادگاه آمریکا محکوم به دعوا را متوجه ساختمان بنیاد پهلوی ساخته است در حالیکه ساختمان بنیاد پهلوی ملک وقفی است، نه ملک آزاد و در کلامی دیگر نه جمهوری اسلامی مالک آن ساختمان است و نه هیچکس دیگر و مالی است که از ید مالک خارج و بصورت حبس ابدی در آمده تادآمد های حاصله از آن صرف اموری شود که واقف یعنی شاهنشاه ایران مقرر و در اساسنامه بنیاد پهلوی احصاء گردیده و همچنین اداره آن بنیاد بر شرحی است که اساسنامه بنیاد تعیین و تکلیف کرده است.

اقدامات جمهوری اسلامی در چنگ انداختن بر روی وقف بنیاد پهلوی برخلاف قانون مدنی و نیز فقه تشیع و حتی اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

خمینی در سال ۵۷ طی حکمی به شورای انقلاب دستور داد که تمام اموال منقول و غیر منقول سلسله پهلوی و شاخه ها و اشخاص مربوطه برفع مستضعفان صادره شود و به اعتبار همین حکم بنیاد پهلوی هم صادره شد؛ در حالیکه بنیاد پهلوی مال منقول و یا غیر منقول شاه و یا خانواده ایشان نبود و با همین حکم بی اعتبار جمهوری اسلامی مانند بختک بر روی بنیاد پهلوی افتاد.

حاشیه = به اعتبار همان حکم خمینی اموال منقول و غیر منقول بنده و همسر و فرزندانم صادره شد و وکالت

مرا از والاحضرتها تحت عنوان شاخه ها گرفتند. پایان حاشیه

حیرت آنجاست که از اعضای هیئت امنای ما که سالها بعد از حکم صادره اموال بنیاد پهلوی، زنده و خارج از ایران بودند حتی یک نفر به مصادره بنیاد پهلوی و اعلام اینکه بنیاد پهلوی متعلق به شاهنشاه و یا خانواده

ایشان نیست، و مشمول حکم خودسرانه خمینی نمیگردد، اقدامی ننمودند و حتی اعتراض خودشان رابه مقامات آمریکائی که ساختمان بنیاد در آن کشور قرارداد داشت منعکس نکردند و خیلی ساده کمتر از آب خوردن بنیاد پهلوی به حلقوم جمهوری اسلامی فرورفت.

تردید ندارم که اگر یک توجهی به دادستانی آمریکا در مورد وقف و مقررات قانونی آن داده میشد تسلط جمهوری اسلامی بر موقوفه بنیاد پهلوی به این آسانی صورت نمیگرفت، و اکنون ساختمان بنیاد پهلوی بعنوان یک مال مشروع جمهوری اسلامی جلوه حقوقی پیدا نمیکرد و در حکم دادگاه جاسازی نمیشد.

بنیاد پهلوی در ایران و آمریکا به ثبت رسیده بود حمایت قانون آمریکا از بنیاد پهلوی امری روشن و منضبط است ولی اعلام کننده لازم داشت که هیچیک از آقایان امانا که سالیانه ۲/۵ درصد از منافع سرشار بنیاد پهلوی را نوش جان کردند یک شاهی غیرت نشان ندادند که وقف (بنیاد) بودن بنیاد پهلوی رابه مقامات آمریکائی اعلان و لااقل یک اعتراضی به تصمیم به مصادره بنیاد پهلوی بجای دارائی شاهنشاه بعمل آورند.

دست اندازی بر نیت بنیاد پهلوی

بنیاد پهلوی از نظر اداری بر اساس اساسنامه بنیاد، زیر نظر وزارت فرهنگ و هنر قرارداد داشت، اما پس از شورش ۵۷ (۱۹۷۹ = ۲۵۱۷) بتصمیم خمینی بنیاد پهلوی با تغییر نام بنیاد علوی زیر نظر بنیاد مستضعفان قرار گرفت، و امور اداری آن زیر نظر امور حج و زیات قرار گرفت و سپس از آنهم جدا و زیر نظر رهبری افتاد و ظاهرا به اموری از قبیل امور موقوفات، بقاء متبرکه، مساجد و مسابقات قرآنی مشغول شد و در باطن به رهبری و کمک مالی به تروریستها و سرکوب مبارزات آزادیخواهانه ملت ایران مشغول گردید.

آیا دادگاه آمریکا متحمل این موضوع شده که تصرف بنیاد پهلوی بوسیله جمهوری اسلامی بنا بر دستور فرد غیرمسئولی بنام روح الله خمینی بوده است؟ و اگر به دستور خمینی در تصرف بنیاد پهلوی اثر حقوقی اصیل معطوف دارد نمیتواند به مسئله گروگانگیری کارمندان سفارت و ترورهای لبنان و غیره حکم مخالف بدهد زیرا در موارد موضوعه شخص واحد یعنی خمینی و عمل خلاف قانون و جنایت هم مشابه بوده است.

تکلیف مبنی چیست

نخست بر عهده آقای جمشید آموزگار و نيز در تکلیف دبیرخانه اعلیحضرت و علیاحضرت است که به اقدام حقوقی لازمی مبادرت کنند و حداقل آن این است که دادستان آمریکا و دادگاه رابه موقعیت اساسنامه بنیاد پهلوی و اینکه بنیاد پهلوی ملک جمهوری اسلامی نیست که توقیف و فروخته شود و این ملک بنا بر وقف است و عوائد آن علی الابد متعلق به نیازمندان و دانشجویان ایرانی و خدمات فرهنگی و اجتماعی است بطریق که تامین کننده نیت واقف باشد.

باید دادستانی و دادگاه آمریکا را متوجه ساخت که شناسنامه بنیاد پهلوی سندی است رسمی که نشان میدهد بنیاد پهلوی نه میتواند بنام دارائی شاهنشاه مورد مصادره خمینی قرارگیرد و نه اکنون ملک جمهوری اسلامی ویا بنیاد علوی ویاحتی بازماندگان شاهنشاه است ولذا قابل توقیف وفروش وتهاثر باطلب طلبکاران ومدعیان نیست.

آیا اگر کسی به حکم داده ومستند مسلم قانونی ازدولت آمریکا خسارتی رامطالبه کند، آیا دادگاه آمریکا میتواند بخشی از اموال بنیاد راکفلر ابرو شد وبه زیان دیده بدهد؟ مسلما خیر.

موازین حقوقی پذیرای عدالت ونصفت درحکم دادگاه نیست وسیاق گنگه کرد دربلخ آهنگری به سیستان زدند گردن مسگری را بیاد میآورد.

آیا دانشجویان ایرانی که در آمریکا تحصیل میکنند ونیازبه کمک وبورس تحصیلی دارند در عملیات ترور و آدم ربائی جمهوری اسلامی دخالتی داشته اند که اکنون دادگاه مقرر و کمک به آن دانشجویان را از طریق پرداخت خسارت به بازماندگان ترور شده ها میخواهد بپردازد؟

برهمن منوال ازدادستانی بخواهند که باخلع ید متجاوزانه جمهوری اسلامی ازبنیاد پهلوی، هیئتی از ایرانیان رابمنظور اداره بنیاد پهلوی وصرف درآمد آن ساختمان درجهاتی که اساسنامه بنیاد مقرر کرده معرفی نماید.

یا موضوع رابه یک فرم حقوقی مناسب واگذار ویا ارائه قرارداد بافرم حقوقی از ایرانیان خواستار مساعدت درتامین هزینه دعوا بشوند واولین پرداخت راهم بنده متقبل خواهم شد.



از محل در آمد های همین ساختمان در آمریکا هزینه ساخت مسجد، حوزه های اسلامی و مراکز اسلامی و فعالیت های تروریستی علیه مبارزان ایرانی و دیگر عملیات غیر قانونی ... فراهم شده است. شوربختانه بسیاری از ایرانیان ندانسته و نسنجیده در مرگ و میر اشخاص از خدمات آن مراکز استفاده کرده اند و نه تنها خدمات مجانی نبوده هزاران دلار هم در سوگواری ها در پی مرگ اشخاص را هم پرداخت کرده اند. این کار به کار خود کرده ای می ماند که تدبیری ندارد...

اگر مورد به ترتیبی که استاد امیرفیض در بالا اشاره کرده اند برسد با وجود بضاعت مالی منم به نوبه خود در این پرداخت برای باز پس گیری این مورد وقف در جهت خدمت به فرهنگ و مردم ایران پیشقدم خواهم شد.

ح-ک